

بررسی و مقایسه ادبیات پایداری در شعر فدوی طوقان و علیرضا قزوه

زهرا همتی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات تطبیقی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

Email: zah.hema.literature@gmail.com

چکیده

ادبیات تا حدود فراوانی بازتاب زندگی با تمام واقعیت‌های ریز و درشت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی است و ادبیات پایداری در پی شنیدن صدای روح شاعران، نویسندگان و هنرمندان است. در واقع، ادبیات مقاومت بخشی از ادبیات است که به دنبال کاویدن پیوند متون ادبی با بافت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است، بافتی که موجب بالندگی شاعران و نویسندگان شده است؛ زیرا پژوهشگر حوزه ادبیات پایداری، می‌تواند بسیاری از رخدادها و واقعیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگ و اقتصادی را از طریق کاوش در لابلای متون ادبی واکاوی و تحلیل بکند. فدوی طوقان و علیرضا قزوه از شاعران معاصر عرب و فارسی هستند که اشعار آنها می‌تواند از منظر ادب پایداری بررسی شود. پژوهش حاضر بر آن است تا بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی که محدود به تأثیر و تأثر نیست و بر زیبایی‌های ادبی تکیه دارد، نمودهای پایداری و مقاومت را در سروده‌های این دو بررسی و مقایسه کند. ظلم ستیزی، وطن‌دوستی، پایداری و مقاومت در برابر دشمن، ستایش شهدا شاخص‌ترین نمودهای پایداری در شعر این دو شاعر است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، ادبیات مقاومت، فدوی طوقان، علیرضا قزوه.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

ادبیات پایداری در معنای عام «متعلق نفی و اعتراض انحرافات است که شاعر در محیط و جامعه خویش مشاهده می‌کند. این انحرافات می‌تواند زمینه‌های مختلفی داشته باشد که در یک چشم‌انداز وسیع، انحرافات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی، دینی، فکری و... را شامل می‌شود» (چهرقانی برچلویی، ۱۳۸۳: ۲۸). بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت و پایداری با این مضمون، در اغلب متون ادبی کلاسیک فارسی و دیگر زبان‌ها نمود پیدا کرده است و اکثر شاعران و نویسندگان، اشعاری و متن‌هایی با محتوایی که اشاره گردید، آفریده‌اند. سنایی، مولوی، سعدی، حافظ و... در ضمن سروده‌های خویش به مبارزه با انحرافات یاد شده پرداخته‌اند. در دوران معاصر نیز این معنا در آثار بسیاری از شاعران؛ میرزاده عشقی، ابوالقاسم لاهوتی و حتی شعرای حوزه ادب تعلیمی مانند ایرج میرزا و پروین اعتصامی وجود دارد.

اما هدف از ادبیات پایداری در معنای خاص که تا حدود فراوانی، مؤلفه‌های آن موضوع این پژوهش است؛ «متعلق اعتراض در این لایه از مفهوم ادبیات پایداری، استبداد داخلی یا هجمه و تجاوز خارجی و عوارض و تبعات آن است» (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۱۰). شایان ذکر است؛ ادبیات پایداری با این محتوا و مضمون به عنوان قالب و نوع ادبی مجزا و مستقل در میان منابع ادبی مورد اشاره قرار نگرفته است و در بخش‌بندی‌های انواع نثر و نظم جایگاه و پایگاه معینی ندارد؛ زیرا گاهی بنابر محتوای رزمی آن در زیرمجموعه ادب حماسی قرار گرفته و گاهی هم در زیرمجموعه ادب تعلیمی.

به هر حال، تاکنون تعریف جامع و کاملی از ادب پایداری که بتواند نظر تمام صاحب‌نظران ادبی را تأمین بکند، ارائه نگردیده است و آنچه که توسط صاحب‌نظران ادبی در فصل تعاریف ذکر می‌گردد، تعاریفی است که حاصل مطالعه آنها در آثار شاعران و نویسندگان است.

افزون بر این باید اشاره کرد که هنر و به ویژه ادبیات، میوه جامعه است، این سخن بدین معناست که خالق آثار هنری و ادبی تحت تأثیر محیط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که در آن رشد کرده است به آفرینش هنری و ادبی می‌پردازد؛ بنابراین پربیراه نیست که وی آشنایی کامل با تمام رویدادها زمانه خود آشنا و آگاه باشد. هنر وی، در واقع، واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های او در مقابل رویدادها و حوادث اطرافش است. ادبیات به عنوان بخشی از هنر، همواره نقش قابل توجهی در این زمینه داشته است. سروده‌های شاعران فارس و عرب در ادوار مختلف، بیانگر این مدعا است و نشان می‌دهد که در اغلب رویدادهای سیاسی و اجتماعی، ادبیات در بطن و متن حوادث و دگرگونی‌های روزگار قرار دارد. این واکنش‌ها گاهی هم راستا با قدرت حاکمه سیاسی و رویدادهای اجتماعی بوده و در پاره‌ای مواقع در تعارض و تقابل با جریان حاکم سیاسی و یا تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی قرار گرفته است که سروده‌های اغلب شاعران معاصر بعد از انقلاب مشروطه و کودتای بیست و هشت مرداد در ایران، اقدامات محمدعلی شاه (شاه‌باعت) تحولات فراوانی در دنیای عرب (شد) در مصر، رفت و آمد روشنفکران فارس و عرب به فرنگ و آشنایی با ادبیات و فرهنگ آن سامان از جمله عواملی بود که این تحولات و دگرگونی‌های را در حوزه ادبیات عربی و فارسی سرعت بخشیدند و مسیر شعر و ادبیات عرب و فارس را تغییر دادند

«فدوی طوقان» و «علی‌رضا قزوه» دو تن از شاعران معاصر عرب (فلسطین) و فارس هستند که سروده‌های آنان محملی برای بسیار از مسائل سیاسی و اجتماعی روزگار خویش است. این دو در اشعار خویش، مضامینی به کار گرفته‌اند که بازتاب رویدادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. علی‌رضا قزوه به عنوان شاعری آیینی و مبارز شهرت دارد وی زبان گویای دردهای ملت مظلوم ایران در برابر استبداد داخلی و دشمن خارجی (بعث) بود. از طرفی دیگر، فدوی طوقان نیز یکی از شاعران معاصر فلسطین است رویکردی مشابه قزوه دارد؛ سوای احساسات رمانتیک و عاشقانه، در شعر وی نیز وطن‌دوستی موج می‌زند و تقابل و رویارویی با استعمار و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حکومت‌های ظالم مضمون برجسته شعر وی است. از این رو نوشتار حاضر برآن است تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی در شعر این دو شاعر، نشانه‌هایی از پایداری و مقاومت را بررسی و مقایسه کند.

۲. پیشینه پژوهش

در باره بررسی و مقایسه ادبیات پایداری در شعر فدوی طوقان و علیرضا قزوه تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است، اما پژوهش‌های مرتبطی درباره بررسی و مقایسه ادبیات پایداری در شعر معاصر عربی و فارسی انجام شده است که ویژگی‌های شعر این دوره را بررسی کرده‌اند. برخی از آنها عبارتند از:

-مصطفوی و همکاران(۱۳۸۹) در مقاله «مقاومت در شعر توفیق امین زیاد» معتقد هستند که توفیق امین زیاد، شاعر پایداری و مقاومت است و شعر، ندای مردم مظلوم فلسطین است.

-مختاری و محبی(۱۳۹۲) در جستاری تحت عنوان «نگرشی تطبیقی بر درون‌مایه‌های اشعار عارف قزوینی و ابوالقاسم الشابی» برای باور هستند که دو شاعر رویکرد مشابهی در بیان مسائل سیاسی و اجتماعی داشته‌اند که شاخص‌ترین آن، آزادی‌خواهی و دفاع از مردمان ستمدیده کشور خویش است.

-لطفی و کفایت(۱۳۹۴) در پژوهش «بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی» به بررسی برخی از نمودهای پایداری و مقاومت از جمله استعمار ستیزی، ظلم‌ستیزی و دفاع از مردم پرداخته‌اند.

-سروش و همکاران(۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های پایداری ایران و فلسطین، مطالعه موردی اشعار نصرالله مردانی و توفیق زیاد» به بررسی بازتاب مؤلفه‌های پایداری در شعر دو شاعر پرداخته‌اند.

-نعمتی قزوینی و همکاران(۱۳۸۹) در مقاله‌ای با نام «مقایسه رویکردهای استعمار ستیزی در دو جریان کلاسیک و نوگرایی شعر معاصر عراق» معتقد هستند که شعر کلاسیک عراق در مقایسه با شعر نو، موضع‌گیری صریح‌تری در برابر استعمار داشته‌است با این وجود اشعار نو ماهیتی اجتماعی و واقع‌گرایانه دارد.

-نعمتی قزوینی و ایشانی(۱۳۹۲) در جستاری با عنوان «بررسی سنجشی مضامین سیاسی اشعار سپیده کاشانی و نازک الملائکه» براین باور هستند که مضامین سیاسی مشابه همچون جنگ، حوادث سیاسی داخلی، مسائل سیاسی دیگر کشورها، شخصیت‌های مهم سیاسی، زنان و مبارزه و ... در اشعار هر دو شاعر وجود دارد، گویای تفاوت‌هایی است که به دلیل شرایط خاص محیطی هر یک از آنان ایجاد گردیده است. بی‌شک تأثیرپذیری هر دو شاعر از بسترهای سیاسی و اجتماعی عصر خویش علاوه بر آن که بر حضور فعال زنان شاعر در عرصه‌های اجتماعی و ادبی اشاره دارد، می‌تواند تأیید روشنی بر نظریه اجتماعی ادبیات نیز به شمار آید.

-رخشنده نیاو نعمتی قزوینی(۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل مقایسه‌ای اشعار نازک الملائکه و فروغ فرخزاد از منظر نقد اجتماعی» به این دستاورد رسیده بودند که هر دو شاعر تحت تأثیر شرایط اجتماعی جامعه خویش قرار داشته و به علت شباهت در فضای اجتماعی به موضوعات مشابهی همچون فقر و تضاد طبقاتی و مسائل زنان و آرمان شهر پرداخته‌اند.

-گنجیان ختاری و دیگران(۱۳۹۵) در نوشتاری با نام «ادبیات اعتراض در شعر جمیل صدقی الزهاوی و ابوالقاسم لاهوتی» از منظر دیگری به تحلیلی اجتماعی و تطبیق سروده‌های لاهوتی و الزهاوی پرداخته و رویکرد اعتراض آمیز آنان را در برابر رویدادهای سیاسی و اجتماعی نشان داده‌اند.

این پژوهش با رویکردی نوین به بررسی مضامین پایداری در سروده‌های فدوی طوقان و علی‌رضا قزوه و رویکرد آنان می‌پردازد زیرا آثار شعری این شاعران تا کنون از نظر محتوا و مضامین پایداری مقایسه نشده است.

۳. بحث و بررسی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در این بخش از پژوهش، نمود مؤلفه‌های پایداری در شعر فدوی طوقان و علی‌رضا قزوه با استناد به سروده‌های آنان بررسی و تحلیل می‌شود. این نمودها در قالب مؤلفه‌هایی چون میهن‌دوستی، شهادت، دشمن‌ستیزی و مقاومت در برابر دشمنان، ظلم‌ستیزی، اعتراض بیان شده‌است.

۳-۱-۱. وطن‌دوستی

میهن‌دوستی در ادب مقاومت جایگاه ویژه‌ای دارد. ساکنان هر سرزمین، برای حفظ میهن خویش در برابر هجوم بیگانگان و حتی خودخواهی و استبداد دشمنان داخلی ایستادگی کرده‌اند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که اصطلاحاتی چون میهن‌دوستی و میهن‌پرستی، در اندیشه‌ی باشندگان و ساکنان یک سرزمین، بسیار بارز و حتی مقدس است و همواره برای نگهداری آن کوشیده‌اند و جان و مال خویش را در این راه فدا کرده‌اند.

زادگاه، میهن و جایی که انسان در آن بالیده و پرورش یافته‌است از روزگاران کهن در تمام اقوام و ملل گوناگون همواره ارزشمند بوده‌است و همراه با پیشرفت و شهرنشینی و به نوعی شکل‌گیری تمدن، آدمی دیدگاه‌های مختلفی پیرامون میهن و وطن داشته‌اند. آنچه که مسلم است؛ در میان مردمی که به هیچ وجه گرفتار جنگ و خونریزی نبوده‌اند، وطن و میهن نمود چشمگیری در زندگی آنها نداشته‌است. ولی در جوامعی که گرفتار هجوم بیگانگان و عوامل خارجی بوده‌اند، طبیعتاً میهن و وطن معنی قابل توجهی می‌یابد. همچنین لازم به یادآوری است؛ مردمانی که پایه و اساس زندگی اجتماعی آنها بر اساس پیوندهای عشیره‌ای است، وطن و میهن، همان تعصبات قومی و قبیله‌ای است.

به هر حال، همزمان با شکل‌گیری تمدن و رواج و توسعه شهرنشینی، مفهوم میهن و وطن از پیوندهای قومی و قبیله‌ای فراتر می‌رود. با توسعه صنعتی در قاره اروپا و ظهور ابرقدرت‌های استعمارگر، گونه‌ای از افکار و اندیشه‌های استعماری تحت نام «کسموپولیتسم» مطرح شد که همه افتخارهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی یک سرزمین (وطن) را نادیده می‌گرفت و با گسترش دادن نوعی تفکرات انترناسیونالیسمی، گونه دیگری از تلقی و برداشت از اصطلاح وطن را ترویج می‌کرد تا این گونه، تجاوز و غارتگری خویش به دیگر سرزمین‌ها عادی جلوه دهد (همایون، ۱۳۵۹: ۶).

البته ناگفته نماند؛ نقطه مقابل این تفکر نیز در برخی از کشورهای اروپایی رواج پیدا کرد و رنگ و بوی شوونیستی^۱ به خود گرفت. در این اندیشه، رویکرد وطن‌دوستی، نمود اغراق و زیاده‌گویی به خود می‌گرفت و عزت و احترام سرزمین‌های دیگر، خدشه‌دار می‌شد. این تلقی اشتباه از میهن‌دوستی، باعث می‌شد که شرایط سلطه‌گری برخی از کشورهای متجاوز که چنین تفکری داشتند، فراهم گردد.

در هر صورت، چه به عنوان کشوری استعمارگر و چه به عنوان کشوری سلطه‌گر، بسیاری از سرزمین‌های دیگر آماج تهاجم قرار گرفتند و موجب ناخوشی و ناراحتی بسیاری از اندیشمندان، هنرمندان، شاعران و نویسندگان شده‌است؛ به گونه‌ای که هر کدام از آنان تلاش کرده‌اند، ناخوشی خویش را از این نوع رفتارها با خلق آثاری در زمینه میهن‌دوستی و وطن‌پرستی نشان داده و دلبستگی خویش را به کشورشان بیان کرده‌اند.

کشور فلسطین، کشوری است که هم سلطه‌گری استعمار انگلیس و فرانسه را تجربه کرده و هم اشغالگری رژیم صهیونیستی. مظلوم بودن سرزمین فلسطین، روح نازک و لطیف بسیاری از شاعران آن دیار را تحت تأثیر قرار داده‌است و هر کدام به گونه‌ای عشق و علاقه خویش را به میهنشان که گرفتار استعمار و اشغالگری بوده و است، نشان داده‌اند. فدوی طوقان نیز از این حیث مستثنی نیست.

^۱Cosmopolitanism

^۲Chauviniste

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«نداء الارض» که به معنی فریاد سرزمین است یکی از سروده‌های پرسوز و گداز فدوی طوقان محسوب می‌شود که در آن عشق به فلسطین موج می‌زند. او آوارگی را بر نمی‌تابد، همانند عاشقی است که تاب فراق و هجران ندارد و تنها در دامن معشوق آرام می‌یابد. لحظه‌ای از یاد معشوق غافل نیست و همیشه امیدوار است تا برگردد و وطن اشغال شده‌اش را آزاد بکند: «تغصب أرضی؟ / أیسلب حقی و أبقى أنا / حلیف التشرّد أصحاب ذلّة عاری هنا / أبقى هنا لأموت غریباً بأرض غریبة / أبقى؟ و من قالها؟ / سأعود لأرضی الحبیبة / بلی سأعود سأرجع لا بد من عودتی / سأرجع لا بد من عودتی.. (طوقان، ۱۹۹۹: ۱۶۳).

ترجمه: وطن من را اشغال می‌کنی؟ سزاوار است حق من به تاراج برود و من با آوارگی و دربه‌داری - که سبب بی‌آبرویی من گردیده - پیمان ببندم و روزگار را سپری بکنم؟! آیا شایسته است در این کشور نا آشنا زندگی کنم و همینجا در غربت از دنیا بروم؟ آیا سزاوار است که سکوت کنم؟ آیا کسی این وضعیت را قبول می‌کند؟ بدون شک به میهن عزیزم برمی‌گردم مطمئناً بر می‌گردم. . . . حتماً هم بازخواهم گشت. گریز جز برگشتن وجود ندارد. . . .

مشاهده گردید که فدوی طوقان در این سروده، فرد پناهنده فلسطینی را نشان می‌دهد که سیمای میهنش را در طبیعت زیبای بهاری که مملو از سبزه و گل است، به تصویر می‌کشد و با این تصویرسازی، روحیه بازگشتن به فلسطین را در درون خویش پرورش می‌دهد و همین فکر، مدت‌ها ذهن وی را دربر می‌گیرد (رجایی، ۱۳۷۸، ۱۶۲). دل‌بستگی فدوی طوقان به میهنش به گونه‌ای است که وی می‌خواهد افزون بر جانش، هر آنچه که دارد برای آن فدا بکند: «یا فلسطین / اطمئنی أنا و الدار و أولادی قرابین خلاصک / نحن من أجلک نحیا ونموت .. (طوقان، ۱۹۹۹: ۱۲۱).

ترجمه: ای فلسطین مطمئن باش که خانه و فرزندهایم را برای آزادی و نجات تو فدا خواهیم کرد. ما فقط به خاطر تو زندگی می‌کنیم و می‌میریم.

مشاهده گردید که در این سروده، فدوی طوقان فراتر از سخنان پیشین که ذکر کرد، رفته است و حاضر است که تمام دارایی خود را که شامل جان، مال و فرزندانش است، در راه آزادی و نجات میهنش فدا بکند. در شعر زیر نیز این رویکرد وجود دارد. «درخت» که نمادی از سرزمین فلسطین است، مورد خطاب فدوی طوقان قرار گرفته است و از فدا کردن جان و هر چیز باارزشی که دارد برای آن دریغ نمی‌کند: «یا شجر المرجان عرّشتُ غصونه / علی جوانب الطريق / أعشق موتی فی موا سم الفداء و العطاء / أعشق موتی تحت ظلك المضرع الغریق (همان: ۵۵۲)

ترجمه: ای درخت مرواریدی که شاخه‌هایش را بلندای آسمان پهن کرده بر اطراف راه دوست دارم بمیرم در مناسبت‌های جانفشانی و بخشش دارایی دوست دارم بمیرم در زیر سایه غرق آغشته به خونت.

همانندی میان مادر و میهن به خاطر وجه اشتراک زاینده‌گی این دو، در اغلب فرهنگ‌های بشری وجود دارد. ترکیب «ماد میهن» نیز شاهده‌ی بر این مدعا است. مادر، همیشه **دلسوز** فرزندان و خانواده خویش است و اگر آنها را گرفتار مشکلی ببیند، ناراحت شده و تمام تلاشش را برای بهبود اوضاع به کار می‌گیرد. فرزندان نیز اگر غمی در چهره مادر ببینند تا غم از او نرهند آرام نمی‌گیرند. مادر هیچ‌گاه بیگانگان را به فرزند خویش ترجیح نمی‌دهد و همیشه دوست دارد هر منفعتی که وجود دارد، متوجه فرزندان خود باشد. مادر **تکیه** **گاه** همیشه فرزندان است. آغوشی که حس امنیت دارد و هر جا که با او باشی احساس تنهایی نمی‌کنی. مادر مهربان‌ترین و خوش‌قلب‌ترین آفریده خداست که بهشت زیر پای او است. مادر، عزیز و دوست‌داشتنی است و همتایی ندارد. زندگی فرزند به مادرش وابسته است. **وطن** نیز همچون مادر است؛ هر آنچه از مهر و محبت برای مادر بر شمردیم، وطن نیز آن را داراست؛ وطن، مامن و پناهگاه مردمان خویش است. هر ملتی برای پیروزی وطن خویش تلاش کنند قطعاً هیچ دشمنی جرئت دست‌درازی به خاک آن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سرزمین را پیدا نخواهد کرد. شعر زیر از فدوی طوقان بیانگر این رویکرد و همسانی میان مادر و وطن است: افتتاحی صدرک یا ارض الجدود / افتتاحی صدر الأمومه / واحضنیها فالقرباین غوالی(طوقان، ۱۹۹۹: ۶). ترجمه: این میهن اجدادی من، آغوشت را باز کن آغوش مادریات را بگشای. و در آغوش بگیر، که این فداکاران بسیار باارزش هستند.

شاعر نازک‌خیال و پرعاطفه‌ای همچون فدوی طوقان، اشغال سرزمینش را بر نمی‌تابد. به همین خاطر، فکر و ذکر او در شبانه‌روز، مظلومیت وطنش است. فلاسطين در نزد او بسیار ارز شمند است. این جایگاه والا به اندازه‌ای است که تنها آرزوی وی، مردن و دفن شدن در خاک مقدس میهنش است.

كفانی أموت علی أرضها / وأدفن فیها / و تحت ثراها أذوب وأفنی / وأبعث عسبا علی أرضها / كفانی أطلّ بحضنی بلادی / تراباً و عشباً و زهرة(طوقان، ۱۹۹۹: ۵۵۳).

ترجمه: مرگ در زمین وطنم برای من کافی است. و اینکه در آن به خاک سپرده شوم، همچنین در زیر خاک آب شوم و از بین بروم. و بعد در قالب گیاهی بر خاک وطن برویم و کافی است مرا خاک شدن، شکوفا شدن در خاک وطن.

به هر حال، یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت در هر جامعه‌ای، عشق به وطن است که سرزمین و جامعه ایرانی نیز از این حیث مستثنی نیست و ادیبان ایرانی در زمان‌های مختلف و در بوجه‌ه هجوم دشمنان خارجی، نفوذ و نمود استعمار، حاکمیت حکام مستبد و خودکامه، برای وطن سروده و آن را مدح کرده‌اند؛ زیرا بر این باور بوده‌اند که «هویت به خاطر ارتباط هستی‌شناسی آدمی به خاک وطن و ریشه‌های بومی‌اش نمود پیدا می‌کند و بریدن از این ریشه موجب بی‌هویتی دراز دامن در وی می‌گردد» (معینی علمداری، ۱۳۸۱: ۱۳). علی‌رضا قزون هر چند به عنوان شاعری آیینی مطرح است و مخاطبانش او را به خاطر سروده‌های دینی وی می‌شناسند، اما عبارت «حب الوطن من الایمان» که منقول از پیامبر(ع) است. توجه وی را به خود جلب کرده است و بر همین اساس، عشق و علاقه خود را به ایران نشان داده است:

بخند و بسوز و ببار و بتاب
در آمیخت خاک تو با کربلا
علی ابن موسی الرضا(ع)، جان توست
دلت خسته از ظلم شداد هاست
همه دشمن آل احمد شدند
در آتش خود اما همه سوختند
وطن جز خلیل و سیاووش نبود
به بیت المقدس شکفتی چنین
در آیینی صبح «والفجر هشت»
چو «فتح المبین» داشت، پیروز شد
(قزوه، ۱۳۸۴: ۴۳)

وطن! ماهتابی، وطن! آفتاب
تو ای مهبط صبح و نور و دعا
تو ایرانی و عشق، مهمان توست
تنت زخمی از تیغ جلادهاست
ابوجهل‌ها پیش ما سد شدند
به حیلت گری، آتش افروختند
وطن را هراسی از آتش نبود
تو ای شهر خرم، بهشت یقین!
وطن ابر شد، رعد شد، رود گشت
وطن، صبح شد، نور شد، روز شد

مشاهده گردید که در این سروده، جانفشانی برای وطن که بیانگر میهن‌دوستی است به تصویر کشیده شده است. قزوه تلفیقی از نموده‌های ملی و دینی را در این سروده به وجود آورده و می‌کوشد پیوند و تناسبی میان میهن‌دوستی و اندیشه‌های دینی به وجود بیاورد. در سروده زیر نیز این گونه است:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می وساقی و جام مستان تویی
اگر آسمانت پر است از شهید
وطن، بید مجنون، ولی سرافراز
به دست تو شمشیر عدل علی(ع) است
پر از مژده صبح آدینه ای
دلت شد پر از ابر و باران گرفت
که این گریه، لبخند آزادی است
وطن! جاودانی، وطن، جاودان
تو مست خدایی، جهان مست توست
وطن! ای وطن، ای وطن، ای وطن
تو ای نور، ای صبح پرچم به دست...

(قزوه، ۱۳۷۷: ۳۲)

وطنیات علی رضا قزوه همگی ترکیبی از روح میهن دوستی و اندیشه‌های دینی است. وی گاهی گریزی به اسطوره‌های ملی باستانی ایران می‌زند. کاوه آهنگ نمادی از ایستادگی و مقاومت وطن در برابر ظالمان و ستمکاران است، کشتی نوح که رمز و نماد ماندگاری در طوفان بلاها و مصیبت‌هاست، تعبیر ملی و دینی برای وطن هستند که در شعر زیر به کار رفته‌است:

ایران من چو کشتی و صبر است لنگرش
نخل و بلوط و کاج و کنار و صنوبرش
در این همه بلایا سخت است باورش
دنیاست حلقه‌ای و تویی گوهر و درش
با عود و کندری که تو کردی معطرش
بادا همیشه روزی‌شان حوض کوثرش

(قزوه، ۱۳۸۶: ۲۸)

این سروده‌ها بیانگر وابستگی آدمی به زادگاهش است. البته لازم به ذکر است که این میهن دوستی بی سبب در درون انسان شکل نمی‌گیرد؛ ترکیبی از ارزش‌هاست که نهال نوپای میهن دوستی را در وجود آدمی غرس می‌کنند و آن را رشد می‌دهند.

۳-۱-۲. شهادت

یکی دیگر از مؤلفه‌های پایداری که در شعر قزوه و طوقان نمود پیدا کرده است، ستایش شهید، ترویج روحیه شهادت‌طلبی و تمنای شهادت است. شهادت و یا جانفشانی کردن برای وطن در زمره برجسته‌ترین مضامین شعر مقاومت و پایداری است. «عالی‌ترین قسمت سروده‌های پایداری، شهادت‌طلبی است. ادیبان حوزه پایداری، دلاوران و مجاهدان عرصه مقاومت را می‌ستایند» (زارعی،

۱۳۷۳: ۲۹۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فدوی طوقان و علی رضا قزوه می‌گویند با تبیین ایثار، جانفشانی، شهامت، شجاعت و ستودن حماسه‌سازهای شهیدان وطن، مخاطبان‌شان را به مقاومت و جانفشانی برای وطن ترغیب و تشویق بکنند. به عنوان مثال در دفتر شعر «علی قمه‌الدین وحید» به ستایش از فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی می‌پردازد و در ستایش شهدای راه وطن این گونه می‌سراید:

أسند رأسک الشامخه / اليوم علی (القبه) / فالصخرة فی القدس أحتوتک الآن حین / الموت أعطاک الحیاة / أنت یا موقظ الدنیا التی عقت قشرا... (طوقان، ۱۹۹۹: ۸۵).

ترجمه: امروز با افتخار سرت را بالا بگیر و آن را بر قبه تکیه بده صخره قدس تو را در آغوش می‌گیرد زیرا، مرگ (شهادت) به تو زندگی جاودان داده‌است تو کسی هستی که دنیا را با وجود آنکه پوستش بوی تعفن دارد (از بی تحرکی گندیده است) بیدار کرده‌ای. در این سروده نیز تأثیر آموزه‌های قرآنی را در افکار و اندیشه‌های فدوی طوقان می‌بینیم. وی با بهره‌گیری از آیه ۱۶۹ از سوره مبارکه «آل عمران» به مخاطب می‌گوید که شهیدان هیچ وقت نمی‌میرند و به زندگی جاودان می‌رسند.

در سروده‌ای دیگر رادمردی و شجاعت رزمندگان وطن را توصیف می‌کند و بر این باور است که هر چند این رزمندگان در مسیر دفاع از وطن جان خویش را بذل نموده‌اند؛ ولی پیروز نهایی آنها هستند چرا که پیام‌آور صلح و دوستی‌اند:

فی احتدام الدم و النار و طغیان الجنون / بسط الفادی، نبی الحب، کفیه علینا / و افتدانا / آه ما أغلی الفداء! / و اشترانا / آه ... ما أغلی الفداء! / و اشترانا / آه ما أغلی الثمن! / و علی و خز مسامیر الألم / و علی حز سکاکن العیاء / أسند الرأس و أرخی / هدب جفنیه و نام / و بعینه رؤی الحب و أحلام السلام (طوقان، ۱۹۹۹: ۷۹، ۸۰).

ترجمه: در بحبوحه خون، آتش و سرکشی دیوانگی پیام‌ور دوستی و منجی دست‌هایش را به جانب ما باز کرد (به نشانه کمک) و ما را نجات داد آه.. ایثار چقدر ارزشمند است ما خریدار و خواهان آن هستیم آه فداکاری چه گرانبه‌است و بر روی نیش میخ‌های درد و روی تیزی چاقویهای درمانده سرش را تکیه داد و دامن کشید مژه بر هم نهاد و خوابید و با چشمانش رؤیای دوستی و آرامش را دید.

فدوی طوقان در سروده دیگری به رویکرد شهدای وطن در جامعه می‌پردازد. از شجاعت آنان سخن می‌گوید، به فداکاری و جانفشانی آنها اشاره می‌کند و چگونگی شهید شدنشان را ترسیم می‌کند تا مخاطب تحریض و تهییج کند به دفاع از فلسطین بپردازد: رسموا الطريق إلى الحیاة / رفعوا القلوب علی الأکف حجاره، جمره، حریق / رجمو بها وحش الطريق / هذا أوان الشد / واشتدت وماتوا واقفین / متوهجین علی الطريق / مت ألقینکما النجوم، مقبلین فم الحیا (طوقان، ۱۹۹۹: ۵۵۸).

ترجمه: آنها تمام مسیرهای زندگی را رسم نمودند. قلب‌هایشان را همانند تکه سنگی، گوی آتشین و شعله‌ای سوزان در دست‌هایشان بالا بردند. و به سوی درندگانی که در مسیر راه قرار داشتند، پرتاب کردند. اینک هنگام مصیبت است. و مصیبت‌ها فراوان شد و آنان ایستاده جان خویش را فدا کردند در حالی که در جاده زندگی درخشان بودند و همانند ستاره‌ای در اوج آسمان می‌درخشیدند و بسان لبان شرمناکی بودند که قصد بوسیدن داشتند (خونالود بودن بدن‌هایشان را اینگونه توصیف کرده‌است).

مدح و ستایش برخی از شهدا که گاهی در قامت اسطوره‌های ملی و میهنی نمود پیدا می‌کند، در شعر فدوی طوقان وجود دارد. به عنوان مثال در سروده زیر به شهامت و دلیری دختری با نام «منتهی حورانی» می‌پردازد و چگونگی به شهادت رسیدن وی را به تصویر می‌کشد. وی در این سروده، منتهی حورانی و دیگر شهیدان فلسطینی را بسان پرچم این کشور می‌داند. از این رو، تا زمانی که این

^۳ تنها بر بام دنیا

^۴ وَلَا تُحْسِنَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالًا ۖ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پرچم در حال اهتزاز باشد، سرزمین فلسطین نیز پایدار و مقاوم ایستاده است. پرچم، نمادی از هویت یک کشور است و فدوی طوقان با علم به این موضوع، شهید را نیز هویت فلسطین می‌داند: *ویوم الحبیبة فی الأسر هبت علیها الریاح / تفتح مریولها فی الصباح / شقائق حمراء و باقات ورد / ورفرف مریولها رایة فی صفوف المدارس..* (طوقان، ۱۹۹۹: ۵۶۲).

ترجمه: روزی که معشوق در بند کشیده شد، بادها بر وی وزیدند. در هنگام صبح، پیشبند مدرسه‌اش شکوفا شد و صورت گل‌های لاله سرخ و انبوهی از گل‌های سرخ درآمد. و لباس فرم مدرسه‌اش (پیشبند مدرسه‌اش) به صورت رایتی در کلاس‌های درس به جنبش درآمد.

در این سروده، فدوی طوقان نوعی تصویرسازی به کار برده است که تا حدود فراوانی با تصویرسازی شاعران ایرانی نیز همسانی دارد. این تصویرسازی بهره‌گیری از گل لاله و گل سرخ برای ترسیم شهادت و شهدا است. افزون بر این، انتخاب واژه «مریول» که در معنی پیراهن فرم مدرسه و یا پیشبند مدرسه به کار می‌رود، پاکی و بی‌گناهی شهید را تداعی می‌کند که در هنگام نوجوانی، به دست متجاوزان اسرائیلی گل عمرش پرپر گردیده است.

رویکرد علی‌رضا قزوه در ستایش از شهدا با فدوی طوقان متفاوت است. وی در سروده‌ایش افزون بر آنکه به تمجید شجاعت و جانفشانی شهیدان می‌پردازد، نوعی حسرت و اندوه را نیز به مخاطب القا می‌کند. حسرت‌های وی نیز متفاوت است؛ گاهی حسرت و اندوه وی به خاطر جا ماندن از خیل شهداست و گاهی ناراحتی وی از نبود آنها و گاهی هم اعتراض به خاطر اوج گرفتن برخی در جامعه است که در خلأ شهدا مجالی برای ظهور پیدا کرده‌اند.

خدا را ناگهان دیدند در خون
حسین‌آسا به پایش سر نهادند
سراپا غرق در نور خدا باش
گلستان شد همه روح و روان
صفا و سعی در میدان مین کن
به شوق کعبه‌اش در کربلا باش
به دنیا گر بهشتی هست، اینجاست...
بگو تنهاترین، عاشق‌ترین مرد
بخند ای گل که حق داری بخندی
همه با یک جهان فریاد، خاموش
«محمد»های کوی عشق و غیرت...
ز ما دستی بگیرید ای جماعت...
به «زین‌الدین» قسم، مثل شما نیست...
اگر خواهان حُسنی، «باقری» باش
دریغای پی به معنایش نبردیم
شهمید کربلاهای همیشه
به یاد کربلا، محشر شد این دل
«حسین» کربلاهای هویزه...

خوشا آنان که چرخیدند در خون
به پای دوست دست از دست دادند
چو «ابراهیم همت» در منا باش
اگر نمرود آتش زد به جانش
اگر شوق خدا داری چنین کن
بیا چون «میثمی» عبد خدا باش
چقدر این آسمانی‌خاک، زیباست
مگو «چمران» بگو غیرت، بگو درد
بخند ای گل که فردا سربلندی
بروجردی» جوانانی خداجوش
«بروجردی»، «جهان‌آرا» و «همت»
در این شب‌های غم، شب‌های غربت
چو «مهدی» عاشقی بی‌ادعا نیست
اگر «مهدی» شدی چون «باقری» باش
حسن» رازی که در خاکش سپردیم
حسن یعنی حسین صبرپیشه
حسن گفتی، حسینی‌تر شد این دل
چه دید آن روز؟ قرآن روی نیزه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

صدایی تابناک و شعله‌ور بود
شهمید تازه‌ای از من برویان
جواب مهربانی، مهربانی‌ست
مرید «حاج عباس کریمی»ست
(قزوه، ۱۳۷۶: ۸۷)

رویکرد علی‌رضا قزوه در بیان رشادت شهدای دفاع مقدس، استفاده از اسطوره‌های ملی ایرانی از نوع واقعی است. «شهمید همت»، «شهمید بروجردی»، «شهمید جهان‌آرا»، «شهمید باقری» و ... نمونه‌هایی از این قهرمانان وطنی هستند که نشان می‌دهد؛ ادبیات پایداری در ذات خویش، کارکردی اسسطوره‌ای دارد و به همین دلیل، مانا و پایدار است و به مرور زمان رنگ فرازمانی و فرامکانی به خود می‌گیرد. در سروده زیر نیز این گونه است، افزون بر حسرت از جاماندن از قافله شهدا به قهرمانان ملی ایرانیان نیز پرداخته و آنها را در قامت اسطوره‌های واقعی معرفی کرده است:

حیات تازه‌ای از سر گرفتند...
اگر سر رفت از دین برنگردیم
همه شیران میدان دیده بودیم...
چراغی آسمانی بود «کاوه»
شهمید کربلای چار و هشتید
که چون آب از دل آتش گذشتند...
چقدر این لشکر اسماعیل دارد
تمام روزهاشان عید قربان
به «اسماعیل»های لشکر «بدر»
به حق سوره «والفتح» و «العصر» به ما حال مناجاتی عطا کن...
دل ما را به آتش می‌کشانند
قرار از دل شد و خواب از سرم رفت...
بلانوشان تیپ الغدیرند
همه در عشق بازی «دستواره»
چو گرد کاروان از ره رسیدم
(قزوه، ۱۳۷۶: ۶۱)

حسین من ابوالفضل دگر بود
به حق حق، به حق «تندگویان»
ز جانان مهر و از ما جانفشانی‌ست
دلیم دلتنگ مردان صمیمی‌ست

خوشا آنان که تا او پر گرفتند
به «زین‌الدین» قسم اهل نبردیم
اگر «فهمیده» را فهمیده بودیم
تو یادت هست در شب‌های پاره
شما از عشق یک دم برنگشتید
شهمیدان سوره والفجر هشت‌اند
چقدر اروند رنگ نیل دارد
شهادت را چو اسماعیل عطشان
به حیدر سیرتان لیل‌القدر
الهی گوشه چشمی به ما کن
تمام «قدسیان» «خوش‌سیرتان‌اند»
به یاد بچه‌های «لشکر هفت»
خوشا آنان که همچون شرزه‌شیرند
چه گردانی همه ماه و ستاره
من از دنبال ایشان می‌دویدم

با مرور زمان و با تمام شدن دوران جنگ تحمیلی و دوران دفاع مقدس، در این نوع سروده‌های علی‌رضا قزوه، غم و ناراحتی، فراوانتر می‌گردد؛ زیرا قزوه سنگینی بار حسرت که مملو از عواطف انسانی است و در قالب تاراحتی و غم از جاماندن از قافله شهیدان، شرمندگی و خجالت از عزیزان کوچ کرده، محرومیت از فیض جانبازی، حسرت عدم درک و دریافت تجربه حضور در جبهه‌های جنگ را بر دوش می‌کشد. شعر او در این زمینه لحنی آمیخته با حزن و اندوه را دارد و در اوج استواری به بیان آرزوهای قلبی شاعران می‌پردازد. آرزوهایی که نوعاً بهره‌مندی از مقام شهادت، یا در صورت امکان رسیدن به شهادت، عروج به سوی آسمان سبز رحمت،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

رهایی از دنیای دون و آلوده به شهوت‌ها، دست‌یابی به آزادی و عدالت همراه با عشق به کشور و علاقه به آرمان‌ها را حکایت می‌کنند. گاهی هم اعتراض به عمل‌کرد بعضی از مردم یا مسئولین جامعه چاشنی سروده‌های این دوره می‌شود.

فغان و غم و اشک و آه است و من
شب و مثنوی‌های ناگفته ام
شب و ماندن استخوان در گلو
که آتش زند این دل سرد را
که گل سرزند از گریبان من
دریغ از فراموشی ناله‌ها
کجایند مردان بی ادعا؟
علمدار مردان میدان عشق
دلیران عاشق، شهیدان مست
همانان که گمنام و نام آورند
ز دُردی کشان سبوی توام
پریشان و سر در گریبان مرا
چنان ناله‌های جگر سوز را
پل محکمی بین ما بود و عشق
سزاوار ماندن، دل من نبود

(قزوه، ۱۳۸۷: ۵۵)

شب است و سکوت است و ماه است و من
شب و خلوت و بغض نشکفته ام
شب و ناله‌های نهان در گلو
من امشب خبر می‌کنم درد را
بگو بشکفد بغض پنهان من
مرا کشت خاموشی ناله‌ها
کجا رفت تأثیر سوز و دعا؟
کجایند شورآفرینان عشق؟
کجایند مستان جام‌الست؟
همانان که از وادی دی‌گرند
من از شرمساران روی توام
غرورم نمی‌خواست این سان مرا
غرورم نمی‌دید این روز را
غرورم برای خدا بود و عشق
نه، این دل سزاوار ماندن نبود

۳-۱-۳. اسطوره‌گرایی

کاربست اسطوره و بهره‌گیری از اساطیر، همواره وجود داشته و دارد. حال کیفیت و چگونگی بهره‌گیری از اسطوره‌های در زمان گذشته و حال متفاوت است. به باور «میرچا الیاده»، از صاحب‌نظران حوزه اسطوره‌شناسی «دنیای جدید صاحب اساطیر دنیوی شده است» (الیاده، ۱۳۹۳: ۳۴).

این سخن الیاده نشان می‌دهد که انسان‌ها هیچ وقت از بیان سمبلیک رویاها و آرمان‌هایشان دست نمی‌کشند. حتی به گفته اسماعیل پور «گاهی افزون بر اسطوره‌های فردی، نمود اساطیر را در جریان‌های هنری و ادبی همچون: ایده‌الیسم، پست مدرن، سوررئالیسم و . . . مشاهده می‌کنیم» (اسماعیل پور، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۴). که این امر، نشان می‌دهد؛ آدمی در پی آن است تا طرحی نو اندازد و دنیای آشفته معاصر را بر ویرانی‌های قبل خویش آباد نماید.

به هر روی، اساطیر دوران معاصر، نموده‌های گوناگونی یافته‌است، عده‌ای شخصیت‌های دینی، آیینی و ملی را به عنوان اسطوره‌های خویش معرفی می‌کنند و گروهی دیگر پدیده‌هایی همچون مارکسیسم، فاشیسم، نازیسم و . . . در زمره اساطیر دوران معاصر قلمداد می‌کنند.

در حقیقت، اسطوره، طرح کردن اهداف ایده‌ال، نیازها و آرزوهای آدمی در دوره‌های باستان به صورت نماد و سمبل است و این ایده به صورت ناخودآگاه در ذهن و اندیشه انسان‌های معاصر تبلور پیدا می‌کند. در واقع باید اذعان کرد که «اسطوره‌ها باقیمانده تخیلات و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آرمان‌های قوم‌ها و ملت‌های مختلف است که به مرور زمان تغییر شکل داده‌اند. به نوعی آرزوهای متمادی از سان‌ها در زمان جوانی هستند» (باستید، ۱۳۷۰: ۳۳).

از سوی دیگر، رخدادهای تاریخ، سیاسی و اجتماعی و پیامدهای خوشایند و ناخوشایند آن در ذهن و اندیشه آدمی، کاربرد سمبلیک اساطیر را به ساحت رویدادهای دوران حاضر آورد. شکی نیست که یافتن ارتباط بین اساطیر باستانی با دنیای کنونی و پیدا کردن مضمون‌ها، اشخاص و فضای آشنا و محسوس از درون این اساطیر، برای شاعران و ادیبان امروز بسیار خوشایند است. بر همین اساس اسطوره‌ها در پاره‌ای اوقات الهام‌بخش فدوی طوقان و علی رضا قزوه در سرایش اشعارش بوده‌اند. به عنوان مثال فدوی طوقان با به کارگیری نمادین اسطوره «عنتره» و «عبله» از اسطوره‌های حماسی عرب در پی ایجاد روحیه مقاومت و پایداری در میان مردمان فلسطین است. وی در شعر زیر، به صورت نمادین گفت و گوی میان عنتره و عبلة را در قامت عاشق و معشوق به تصویر می‌کشد که اشغالگران صهیونیسم مانع وصال این دو شده‌اند و آرامش و امنیت آنها را بر هم زده‌اند.

واخجلی أختی عاریه/ والجاره عاریه و الجار/ و أنا لا یسترنی ثوب/... الجند الجند... اطل أدور أدور / عنتره العیسی ینادی من خلف السور / یا عبل تزوجک الغرباء / إنی العاشق / لا ترفع صوتک یا عنتر ویلی ویلی / سمعک الجند، یراک الجند. (طوقان، ۱۹۹۹: ۵۸۳) ترجمه: خجالت می‌کشم به خاطر اینکه خواهرم و دختر همسایه‌ام عریان هستند و پیراهنی من را نمی‌پوشاند.

سربازها... سربازها... پیوسته می‌چرخم. عنتره عیسی از آن سوی دیوار فریاد می‌کشد: ای عبلة! با اجنبی‌ها ازدواج کردی در حالیکه من عاشق تو بودم. ای عنتره! صدایت را بلند نکن. مواظب باش سربازها صدایت را می‌شنوند. سربازها تو را می‌بینند. در میان رؤیای وصال، عنتره قلبش را در حالی که بر کف دستانش قرار داده و به عبلة می‌دهد، سربازهایی با ملیت‌های مختلف و زبان‌های گوناگون (نشان از موجودیت رژیم اشغالگر اسرائیل دارد که از نقاط مختلف به فلسطین کوچ کرده‌اند) دم در خانه آنها ایستاده‌اند و مدام بر در می‌کوبند و از وی می‌خواهند در را بر رویشان باز کند:

یا عبلة یا سیده الحزن خدی زهره قلبی الحمراء/ الجند علی بابی ویلاه/ فی لیلہ غدر ظلماء / Open the door! / Ou vre' La / porte / افتح ایت‌ها دلیت / افتح باب / و بكل لغات الأرض علی بابی یتلاطم صوت الجند (همان، ۵۸۴)

ترجمه: ای عبلة! ای بانوی اندوه! شکوفه سرخ قلب مرا بگیر. سربازها دم در ایستاده‌اند. در شب سیاه فریب در را باز کن در را باز کن در را باز کن در را باز کن و سر و صدای سربازها با تمام زبان‌های جهان در آن سوی در، با هم ترکیب می‌شود.

افزون براین، وی اسطوره‌های واقعی را نیز در سروده‌هایش مطرح می‌کند و اهداف و آمال خویش را در وجود آنان می‌جوید. یکی از این اسطوره‌های رئالیستی «مازن ابو غزاله» نام دارد. این قهرمان ملی فلسطینیان در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۷ هنگامی که یکی از سخت‌ترین نبردها در بلندی‌های نابلس میان فلسطینیان و صهیونیست‌ها روی داد، شاعت و شهامت خویش را نشان داد و ققنوس‌وار به شهادت رسید. هنگامی که ذخیره غذایی رزمندگان فلسطینی تمام شد، آنها سه روز توانستند مقاومت کنند و دوام بیاورند. پس از آن، مازن ابو غزاله برای رهایی همزمانش، تصمیم می‌گیرد، کمربند انفجاری بر خود ببندد و راه را برای دیگر همزمانش باز کند تا آنها بتوانند از محاصره صهیونیست‌ها خارج شوند، سروده «الفدائی والأرض» صحنه خداحافظی این رزمنده فلسطینی را با مادرش به تصویر می‌کشد

-یا ولدی؟ / لا تحزنی اذا سقطت قبل موعد الوصول / فدرینا طویله شقیه / یا ولدی اذهب! / وحوطته أمة بسورئی قرآن اذهب! / وعودته / باسم الله والفرقان / یا ولدی / یا کبدی / من أجل هذا اليوم من أجل ولدتك / من أجله منحتک / دمی وکل النبض / وکل ما یمكن أن تمنحه أمومة / یا ولدی با غرسه کریمه / اقتلعت من أرضها الکریمه / اذهب فما أعز منک یا / بنی الا الأرض (همان: ۵۰۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ترجمه: (مادر) - ای فرزند من! (فرزند) - اگر قبل از آنکه به هدفم برسم، بر روی زمین افتادم. غمگین نباش. زیرا مسیرمان بسیار دور و مشکل است ای فرزند من! برو و مادرش وی را در پناه دو سوره قرآن قرار داد. برو وی را در حصار نام خداوند و قرآن قرار داد. مادر در آخرین زمزمه‌هایش به فرزند خویش این گونه می‌گوید. ای فرزندم ای جگر گوشه اما به خاطر امروز بخاطر این روز تو را به دنیا آوردم بخاطر این روز، خونم و جنبش‌م را به تو دادمو هر آنچه که حس یک مادر می‌تواند ببخشد ای فرزندم ای نهال بزرگوارم بزرگواری از سرزمینت ریشه کن شده برو ای پسرک عزیزم که هیچکس عزیزتر از تو نیست مگر سرزمین. مازن ابوغزاله در ادامه این گونه پاسخ می‌گوید و آمادگی خویش را برای جانفشانی برای وطن و مبارزه با دژخیمان صهیونیسم نشان می‌دهد:

ماض أنا یا امأه / ماض مع الرفاق الموعدی كصخرة مشدودة بعنقی / فمن هناك منطلقی / و كلما لدی، كل النبض / و الحب و الايثار و العبادة / أبلذله لأجلها، للأرض مهرا، / فما أعز منك یا / أمأه إلا الأرض... (همان: ۵۰۵)

ترجمه: می‌روم ای مادر! به همراه دوستان به وعده‌گاه می‌روم بسان صخره‌ای که سفت و محکم به گرن من بسته شده است. از همانجا رهسپار می‌شوم. و هر آنچه را که تعلق به من دارد از جان و عشق و ایثار و عبادت همگی را به خاطر عشق به وطن می‌بخشم و فدا خواهم کرد بنابراین به غیر از وطنم ای مادر هیچ چیز برای من گرامی‌تر نیست.

علی‌رضا قزوه برای اینکه روحیه ایرانیان را در برابر تهاجم دشمن خارجی تقویت بکند، در سروده‌هایش از اسطوره‌ها بهره گرفته است. تفاوت کار وی با فدوی طوقان این است که وی علیرغم اینکه از اسطوره‌های ملی و رئالیستی بهره گرفته، نگاهی غالب به اسطوره‌های دینی و مذهبی دارد. در شعر وی اسطوره‌های دینی همچون: حضرت محمد(ص)، حضرت ابراهیم(ع)، امام علی(ع) و امام حسین(ع) و اسطوره‌های ملی همچون: کاوه آهنگر و سیاوش پیام‌های خاصی را برای مخاطب تداعی می‌کند «شاعران و نویسندگان پایداری با استفاده از این اساطیر، ریشه‌های فکری و فرهنگی مردمان ایران زمین را بازسازی می‌نمایند. به دیگر سخن، با مطرح کردن اساطیری باستانی، دینی و ملی در پی آن هستند که غرور و افتخار ایرانیان را زنده نگاه دارند و با تکیه بر ارزش‌های ملی و مذهبی، روحیه مقاومت و محافظت از فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی را تقویت کنند» (لک، ۱۳۸۴: ۲۳۲).

نخل و بلوط و کاج و کنار و صنوبرش
در این همه بلایا سخت است باورش
هر صبح وقت دیدن گل‌های پرپرش...
فردا چو سر برآورم از خاک محشرش...
بسپار دل به زاده موسی بن جعفرش
(قزوه، ۱۳۷۴: ۱۱۷)

ایران من چو کاوه آهنگر است با
ایران من! تو کشتی نوحی که مانده‌ای
یاد آیدم ز لاله‌رخان شهید عشق
نام حسین و نام علی آورم به لب
در گرمگاه حادثه دل را رها مکن

در مثال زیر نیز این گونه و تلفیقی از کاربرت اسطوره‌های ملی و دینی را مشاهده می‌کنیم:

در آتش خود اما همه سوختند
وطن جز خلیل و سیاوش نبود
به بیت المقدس شکفتی چنین
در آینه ی صبح «والفجر هشت»
چو «فتح المبین» داشت، پیروز شد
(قزوه، ۱۳۷۵: ۱۳)

به حیلت گری، آتش افروختند
وطن را هراسی از آتش نبود
تو ای شهر خرم، بهشت یقین!
وطن ابر شد، رعد شد، رود گشت
وطن، صبح شد، نور شد، روز شد

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در شعر زیر که برای امام حسین(ع) سروده‌است، باز هم ترکیب اسطوره‌های ملی و دینی وجود دارد:

نمی‌دانم تو را در ابر دیدم یا کجا دیدم
تو را در مثنوی، در نی، تو را در های و هو، در هی
تو مانند ترنم، مثل گل، عین غزل بودی
تو را پیچیده در خون، در حریر ظهر عاشورا
تو را در آبشار وحی جبرائیل و میکائیل
دمی که اسبها بر پیکر تو تاخت آوردند
هجوم نیزه‌ها بود و قنوت مهربان تو
تو را دیدم که داری دست در دستان ابراهیم
تو را هر روز با اندوه ابراهیم، همسایه
به یحیی و سیاوش جلوه می‌بخشد گل خونت
تمام راه را بر نیزه‌ها با پای سر رفتی
دل و دست از پلیدی‌های این دنیا شبی شستم
تصور از تفکر ماند و خون تو مداوم یافت

به هر جایی که رو کردم فقط روی تو را دیدم
تو را در بند بند ناله‌های بی‌صدا دیدم
تو را شکل توسل، مثل ندبه، چون دعا دیدم
تو را در واژه‌های سبزه رنگ ربنا دیدم
تو را یک ظهر زخمی در زمین کر بلا دیدم
تو را ای بی‌کفن، در کسوت آل عبا دیدم
تو را در موج موج ربنا در «آتنا» دیدم
تو را با داغ حیدر، کوچه کوچه، پا به پا دیدم
تو را با حلق اسماعیل، هر شب همصدا دیدم
تو را ای صبح صادق با امام مجتبی(ع) دیدم
به غیرت پا به پای زینب کبری(س) تو را دیدم
که خونت را حنای دست مشتت بی‌حیا دیدم
تو را خون خدا، خون خدا، خون خدا دیدم

(قزوه، ۱۳۸۵: ۷۶)

در مورد به کارگیری این اسطوره‌ها باید افزود که جمهوری اسلامی ایران به خاطر ایستادگی در برابر زورگویی‌های استکبار با تنگناها و تحریم‌های سخت اقتصادی، سیاسی و نظامی روبرو شد و همین امر موجب گردید که در جنگ تحمیلی نوعی نابرابری تسلیحاتی و اقتصادی به وجود بیاید. در نتیجه نیاز بود که روحیه مقاومت و پایداری تقویت گردد و طبیعتاً یکی از این راهکارها هم بهره‌گیری و تمسک به اساطیر دینی و ملی بود، اساطیری که در سختی‌ها غیرممکن‌ها را ممکن کردند. البته جنگ تحمیلی و دفاع مقدس نیز در درون خود، اسطوره‌های رئالیستی را بازآفرینی کرد، شهدایی چون شهید همت، شهید باکری، شهید بروجردی، شهید جهان‌آرا و... نمونه‌هایی از اسطوره‌های واقعی هستند که مورد توجه علی‌رضا قزوه قرار گرفته‌اند. سروده زیر نمونه‌ای از این اشعار است که در آن به شهید قاسم سلیمانی در قامت یک اسطوره واقعی پرداخته‌است و حتی او را فراتر از اسطوره ملی ایرانیان، رستم، دانسته‌است:

مرا یاد است سطری بی بدیل از شعر خاقانی:
الا روح صداقت، معنی ایثار و آگاهی
تویی از عاشقان سر به زیر و سر بلند ماه
دمی که با شهیدان خدایی راز می‌گویی
چه رازی خفته در جان تو ای آینه ایمان
نوشتی دیو نفست را ببر اول به قربانگاه
خلیل خود شکن کم دیده‌ام چونان تو در میدان
به بازار قلندرها قلندروار پا بگذار
برآ از این شب سنگین چو مولانا و شمس‌الدین
الا پیر خراسانی مریدی این چنین داری

که سلطانی است درویشی و درویشی است سلطانی
جهان غرق است در خود بینی و تزویر و نادانی
تویی از اهل بیت عشق ای خورشید پیشانی
تو حتی می‌توانی قدسیان را هم بگریانی
که روحانیت تو آبرو داده به روحانی
به روی خاتم انگشترت با خط دیوانی
که اسماعیل جان را می‌کند هر روز قربانی
سرت را صرف کن در کوی صرافان ربانی
بخوان آی ای مسلمانان مسلمانان مسلمانان
سابق برده ست از رستم مگر این گرد کرمانی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

درود ما به آن خورشید، آن پیر خراسانی
مگر ایران برون آرد جهان را از پریشانی
نیفتی در درون چاه کنعان، یوسف ثانی
که خصلت‌های قاسم داری و خوی سلیمانی
نگین قدس را از دست اهریمن تو بستانی
(قزوه، ۱۴۰۰: ۱۲)

سلام ما به این ظلمت شکن ماه بلند اختر
صدای پارسایان از عراق و شام می‌آید
یهوداینند این از گرگ بدتر این برادرها!
الا ای قاسم فتح درخشان فتح دیگر کن
در این میدان فراوان مدعی دیدم مگر آخر

علی‌رضا قزوه با بهره‌گیری از این اسطوره‌های رئالیستی، دینی و ملی به دنبال آن است تا حس دوام، جاودانگی، اقتدار، بقا و پایداری را در مقال دشمنان و سلطه‌گران خارجی را بیافریند و با وجود همه مشکلات موجود، استقامت، پایداری ایران اسلامی را به رخ بدخواهان و دشمنان این سرزمین بکشد.

این رویکرد شاعران و نویسندگان پایداری در بهره‌گیری از اساطیر ملی و دینی بیانگر پیوند گذشته و امروز است. اساطیری همچون عنتره یا کاوه و رستم قادر خواهند بود که به هویت جمعی، ملی و سیاسی مردمان یک کشور شکل و شمایل بدهند و به ایجاد وحدت و همدلی آنها مدد برسانند و پروژه یکپارچگی ملت را در راه درست خویش هدایت بکنند.

۳-۱-۴. مقاومت در برابر دشمنان

ویژگی اصلی ادب مقاومت و پایداری، به وجود آوردن انگیزه و سبب برای مبارزه و ایستادگی در مقابل سلطه‌گران و متجاوزان و در نهایت، گسترش روحیه قهرمانی می‌باشد. در شعر پایداری آنچه که شنیده می‌شود؛ فریاد پرجوش و خروش حمله بر ضد دشمن و سازش نکردن با وی است. مقاومت در برابر دشمنان و مبارزه با آنان نمود دیگری از ادب پایداری در سروده‌های فدوی طوقان و علی‌رضا قزوه است. در سروده زیر، فدوی طوقان نیز نشان می‌دهد که اعتقادی به تسامح و تساهل با دشمن ندارد و بر این باور است که نجات فلسطین از چنگال اشغالگران تنها با مبارزه‌ای آتشین و خونین میسر خواهد شد:

والأمل الظامئ مهما ذوی / لسوف یروی بلهیب ود (همان: ۱۳۸)

ترجمه: امید تشنه همان اندازه که پژمرده باشد با گرمی آتش و خون سیراب خواهد گردید.

مبارزه و پایداری در برابر دشمنان باعث محفوظ ماندن روحیه امیدواری به پیروزی و نجات می‌شود. باعث می‌گردد که حصار بی‌عدالتی و ستم فروریزد. این رویکرد در سروده‌های فدوی طوقان وجود دارد. او حتی زمانی که از شهیدان راه وطن سخن می‌گوید، تلاش می‌کند که با سخن گفتن از قیام و مبارزه، این روحیه امیدواری را حفظ کند و به مخاطب نیز القا بکند:

یا غدنا الفتی خبر الجلاذ / کیف تکون رع شة المیلاد / خبره کیف یولد الأقاح / من ألم الأرض، وکیف یبعث الصباح / أمن وردة الدماء فی الجراح (طوقان، ۱۹۹۹: ۵۴۸).

ترجمه: ای آینده برنای ما، به جلاذ خبر بده که جنبش و حرکت دوباره چگونه است به وی از زایش و رویش دوباره گل‌های بابونه خبر بده از درد زمین و چگونگی فرا رسیدن صبح خبر بده و از گل سرخگون خونهایی که در زخم‌هاست.

مرگ در راه وطن و مبارزه با متجاوزان در هر صورت از نگاه فدوی طوقان، پیروزی محسوب می‌شود. شعر زیر بیانگر این مدعاست: یافلسطینی أنت! / أیها الرافض للموت هزمت الموت حین / الیوم مت. (همان: ۶۱)

ترجمه: تو ای فلسطینی ای کسی که زیر بار مرگ نمی روی مرگ را شکست دادی هنگامی که امروز مردی.

بخش عمده‌ای از سروده‌های طوقان، فراخوان مبارزه و مقاومت است. در سروده زیر از جوانان وطن می‌خواهد که مہیای مبارزه با دشمن اشغالگر شوند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ستتجلی الغمره یا موطنی/ و یمسح الفجر غواشی الظلم/ فالجوهر الكامل فی امتی/ ما یأتلی یحمل معنی الضرم / هو الشباب الحر ذخر الحمی/ الیقظ المستوفر المنتقم/ لن یقعد الأحرار عن ثارهم/ وفی دم الأحرار تغلی النقم(طوقان، ۱۹۹۹: ۱۲۱). ترجمه: ای سرزمینم، سیاهی‌ها پاک می‌شوند. و سحرگاه ظفر، حجاب ظلم و ستم را کنار می‌زند. جوهره کامل در میان ملت من پنهان است تا زمانی که در جوش و خروش باشند. آن جوان سرافراز که محافظ وطن است. همواره آگاه و مهیای انتقام است. آزادگان هیچ گاه از گرفتن انتقام فارغ نمی‌شوند و انتقام گرفتن در خون آنها در حال جوشیدن است.

دشمنی آمریکا در طول تاریخ با مردم ایران و پشتیبانی‌های آمریکا از حکومت بعثی در دوران جنگ تحمیلی موجب تغییر بنیادین در ادبیات و به طور کلی هنر گردید و رویکرد نوینی تحت عنوان «بسیج توده‌ها» را در ادبیات دفاع مقدس به وجود آورد؛ زیرا مردمان یک کشور، هنگامی که موجودیت سرزمین خویش را در معرض خطر می‌بینند، به دفاع و مبارزه روی می‌آورند و طبیعتاً رسالت شاعر و نویسنده هم در این هنگام، تحریض، تهییج و تشویق مردم به مبارزه و دفاع در برابر حمله دشمن خارجی است بنابراین، اشعاری می‌آفریند که موضوع و مضمون آن بیگانه ستیزی و مبارزه در برابر دشمن و نیز پیام آن نمایش افق روشن پیروزی است که ره‌آورد همان وحدت، همدلی و مبارزه مستمر است، بنابراین یکی از دغدغه‌های اصلی علی‌رضا قزوه، اندیشه مبارزه با دشمن متجاوز و دفاع از میهن است و این مضمون در سروده زیر که در وصف شهید قاسم سلیمانی سروده است، به خوبی نمایان است:

به غیر یزدان خبر ندارد کسی از آنجا که من می‌آیم تمام شب چون شهاب سنجی به جان تاریک شب می‌افتم اگر نسوزم اگر نمیرم چگونه جانی دگر بگیرم به عرصه صبحگاه محشر مرا همین افتخار کافی ست تمام شب‌ها به چشم دشمن، چوموشکی نقطه‌زن می‌آیم چوتیرغییم که از کمینگاه لشکری صفشکن می‌آیم همه وجودم فدای میهن اگر به کار وطن می‌آیم که با رسول و علی وزهرا که باحسین و حسن می‌آیم (قزوه، ۱۴۰۰: ۳۲)

در سروده زیر نیز رویکرد دشمن ستیزی وجود دارد:

شما یاید از ایل مردان مرد شما موج، دریا، شما رود، کوه همه دوستانید و دشمن شناس شما از دماند استوارتر شما جلوه ی آبشارید و گل بکوشید در راه سازندگی دلیران عاشق، یلان نبرد سراپا غرور و سراپا شکوه ز دشمن مبادا شما را هراس ز صبح و ز خورشید، بیدارتر شما اهل بیت بهارید و گل مبادا شما را پراکندگی (همان: ۴۱)

در شعر زیر نیز، مبارزه در برابر دشمنان و دشمن ستیزی وجود دارد. قزوه در قالب شعر نیمایی، روحیه مبارزه را ترویج می‌دهد: در درخت، پنهان می‌شوی/ و مرگ را/ چون برگ/ بر سر دشمن می‌ریزی/ گنجشکی بر شانه ی تو می‌نشیند/ و کلاغی منفجر می‌شود/ در باد پنهان می‌شوی/ و از پوسترها بیرون می‌آیی/ در اعلامیه ها سنگر می‌گیری/ و صدای شلیک از ابرها شنیده می‌شود! (قزوه، ۱۳۸۶: ۱۹)

در سروده زیر نیز قزوه، دشمن را به مبارزه می‌طلبد و می‌خواهد به طور مشتقیم با او مبارزه بکند و از پشت پرده توطئه‌ها و نیرنگ‌ها بیرون بیاید:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

"من تیغ رویارو زنم" ... / شما هیچ غلطی نمی توانید کرد/ نه با هزار نفر/ نه با صد هزار نفر/ نه حتی با یک میلیون نفر که ما شصت میلیون نفریم/ و از لج تان ساندیس های ایرانی می خریم و می خوریم/ اما به پیسی کولا رای نخواهیم داد/ و هیچ نیازی به مک دونالد و کی اف سی نداریم/ و هیچ نیازی به بی بی سی و صدای امریکا/ شما شب را در استودیوی بی بی سی بخوابید/ و صبحانه تان را در استودیوی صدای امریکا بخورید(قزوه، ۱۴۰۰: ۸۱).

نتیجه

علی رضا قزوه از شاعرانی است که در ادبیات پایداری، دارای چهره ی درخشانی است. در سروده های وی مضمون شهادت و واژه ی خون، جایگاهی ویژه دارد. تلفیق حماسه و عرفان، داشتن روحیه ی حماسی، تلمیحات ملی و دینی، تصویرسازی های خوش آهنگ در غزلیات شعر او را زیبا و دلنشین و مؤثر می کند. این ویژگی ها موجب می شود تا ارتباط عاطفی با خواننده برقرار کنند که خود نشان از دلسوختگی شاعر است. ابراز ارادت شاعر به شهید و شهادت در آثار او موج می زند و او را با مضامینی گوناگون توصیف می کند. اشعار او یادآور حماسه در روزهای حادثه است. روزهایی که شعر و غزل قزوه نقشی بزرگ در پویایی و ترسیم جریان جنگ و دفاع مقدس داشت. شعر قزوه، شعر انقلاب است. شعر دفاع مقدس است. شعر جنگ است. شعری است سرشار و مایه ور از عرفان اسلامی و از روی اعتقاد و ایمان و باور. با توجه به پیشینه و اشتها خانواده طوقان در عرصه شعر مقاومت فلسطین، فدوی را می توان مشهورترین زن مقاومت فلسطین نامید. شکست اعراب در برابر اسرائیل در سال ۱۹۶۷ نقطه عطفی در زندگی ادبی وی به حساب می آید. این واقعه باعث شد او از رمانتیسم فاصله گرفت و به شعر متعهد و انقلابی مقاومت روی آورد. برخی از نمادهای مربوط به زنان در شعر فدوی، اشاره به نقش بانوان انقلابی در پرورش نسل مبارزان و در نتیجه تداوم جریان مقاومت دارند و در همین ارتباط شخصیت مادر و وطن در شعر او اتحادی نمادین یافته است. حضور نام هایی مانند عائشه احمد عوده، منتهی حورانی و ... به منظور اسطوره سازی و نماد آفرینی از زنان مبارز صورت گرفته که الگوی زنان فلسطینی هستند. بخشی از اساطیر و داستانهای تاریخی که در شعر فدوی بازتاب یافته، تأکیدی بر ویژگی های شناخته شده زنان در جنگها یعنی پشتیبانی، تحریک و تشویق مبارزان، خونخواهی و تقاضای فریادری از مبارزان در مقابل تجاوز دشمن است. ظلم ستیزی و طرفداری از عدالت دو گوهر گرانبهایی هستند که علی رضا قزوه و فدوی طوقان در اشعار پایداری خود به آنها توجه کرده اند و مردم را برای عمل به آن ترغیب نموده اند.

طوقان و قزوه از ادبیاتی متأثر بودند که در ایران و فلسطین، وجوه اشتراک زیادی داشت و به طور مسلم، این اشتراکات، زمینه ساز مضامین و معانی مشترک در آثار آن دور شده است که نمونه هایی از این اشتراکات در این پژوهش بررسی و ارائه گردید؛ همانطور که مشاهده گردید، هر دو ادیب برای خود رسالت و تعهدی قائل اند. از این روست که همواره در مقابل ظلم و ستم و استعمار می ایستند و با توجه به رسالت شعر و شاعر در بیدارگری ملتها و تشویق آنان به حق جویی و حق خواهی، طوقان و قزوه به این مهم بسیار توجه داشته اند و هدف هر دو شاعر، دادخواهی و عدالت گستری تا رسیدن به مدینه فاضله است. این دو شاعر سعی کردند شعر و سیاست را با هم پیوند بزنند. ذهن آن دو به قدری درگیر اجتماع، میهن و دردهای انسانی است که وقتی به سرایش شعری با رویکردی سیاسی دست به قلم می برند، سیاست نه به شکل شعاری روشنگرانه، بلکه به صورت مفهومی که در عرصه زندگی انسان تأثیری مستقیم

شعر قدسیان آسمان (شاعر: فضل الله نعیمی)

ای کاروان! ای کاروان
من دزد شب رو نیستم
من پهلوان عالمم
تیغ رویارو زنم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

دارد، در سروده هایشان شکل می گیرد. اشعار هر دو روح غیرت، همت و وطن پرستی را در وجود هموطنان زنده می کند و آیینی انعکاس آلام و دردهای سرزمین و ملت‌های رنج‌دیده است.

همچنین بررسی تطبیقی این دو شاعر، بیانگر این امر است که شرایط سیاسی و اجتماعی مشترک موجب گردیده که در سروده های آنها، همانندی های زیادی دیده شود. وطن دوستی، مبارزه و قیام علیه متجاوز و اشغالگر، انگیزه های دینی و قومی، شهادت و پیروزی، مهمترین درونمایه های مشترک در اشعار آنهاست. مضمون وطن و سرزمین از مضامین عمده شعر مقاومت، چه در ادبیات ایران و چه در ادبیات عرب محسوب می شود. میهن پرستی، انتساب به وطن و سرزمین و اندیشه جهان وطنی در آثار هر دو شاعر به وفور دیده می شود. هر دو شاعر به ترسیم چهره رنج کشیده مردم پرداخته اند. آنان از مسئله فلسطین نیز در اشعار خود دفاع نموده اند.

جلوه مقاومت و مبارزه، خمیر مایه ادبیات مقاومت به شمار می رود که در اشعار هر دو شاعر به وفور به چشم می خورد. هر دو شاعر ملت خود را به مقاومت و نبرد با دشمن دعوت کرده اند و به ستایش و توصیف رزمندگان پرداخته اند و گاهی رجزهای حماسی را برای تهییج همت مردم و رزمندگان به کار برده اند. جلوه شهید و شهادت، ستون اساسی ادبیات مقاومت است که در اشعار هر دو شاعر نمود یافته است. هر دو شاعر به بزرگداشت شهیدا همت گماشته‌اند.

منابع

- قرآن کریم.

-اسماعیل پور، ابوالقاسم(۱۳۹۱). اسطوره ادبیات و هنر، تهران: چشمه.

-الیاده، میرچا. (۱۳۹۳). چشم اندازه‌های اسطوره، مترجم: جلال ستاری، تهران: توس.

-باستید، روژ(۱۳۹۱). دانش اساطیر، مترجم: جلال ستاری، تهران: توس.

-رجایی، نجمه(۱۳۸۲). شعر و شرر، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

-زارعی، احمد(۱۳۸۷). آفتاب در آیین، تهران: دفتر فرهنگ دانشگاه اسلامی.

-طوقان، فدوی(۱۹۹۹). دیوان شعر، بیروت: دارالعودة.

قزوه، علیرضا(۱۳۷۵). از نخلستان تا خیابان، تهران: حوزه هنری.

----- (۱۳۷۴). شبلی و آتش، تهران: قلم.

----- (۱۳۸۵). قطار اندیمشک و ترانه های جنگ، تهران: سوره مهر.

----- (۱۳۸۶) این همه یوسف، تهران: ستاره‌ها

----- (۱۴۰۰) هوای تازه، تهران: همشهری.

-همایون، ناصر تکمیل(۱۳۵۹). میهن دوستی در ایران، تهران: استقلال.